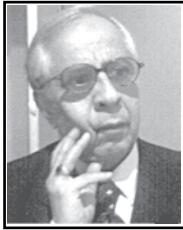


خدمات مردان شماره ۱ و ۲ ایران ناسیونال به بهداشت و فرهنگ در خراسان

قسمت نهم



اسماعیل رزم‌آسا

روزنامه‌نگار و پژوهشگر تاریخ مطبوعات ایران
esrazmasa@yahoo.com

یک توضیح!

در شماره پیشین وعده دادیم که در این شماره شرح حال (محرملی خان سانسورچی دوران پهلوی ها) را بیابیم چون برای انجام این مقصود به سوابق استخدامی وی نیاز داشتیم مکاتباتی با سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح انجام دادیم اکنون منتظر پاسخ سازمان مذکور هستیم که اطلاعات مورد نیاز تهیه آنگاه به معرفی کامل نامبرده بپردازیم. با این توضیح در این شماره به ادامه بحث درباره: (مردان شماره ۱ و ۲ ایران ناسیونال) می پردازیم:

با وجودی که برادران خیامی چند سالی بود که از مشهد به تهران کوچ کرده و سرگرم کارپرو رتق خود بودند و ۱۵ هزار کارگر کارخانه ایران ناسیونال را اداره می کردند و علاوه بر آن فروشگاه لوازم یدگی بزرگی راهم دایر کرده بودند، اداره کل سوم سازمان اطلاعات و امنیت کشور به خاطر سوابقی که آنان در دوران اقامت خود در مشهد با تشکیل (اتحادیه جوانان سادات حسینی) در یکی از آپارتمان های محل کلوب مصدق داشتند و در تظاهرات مربوط به ملی شدن صنعت شرکت می کردند و از حامیان حکومت مرحوم دکتر مصدق بودند، همواره تحت نظر قرار داشتند، طی نامه شماره ۹۷۴۷/۳۱۲ مورخ ۲۵/۱۲/۵۳ از ساواک خراسان استعلام می کنند... (برابر خبر واصله از چندی قبل منزل پدری خیامی ها در مشهد تحت نظر آیت الله میلانی به منظور تعمیم امور فرهنگی به مدرسه تبدیل شده و ماهانه ۱۸ تا هزار تومان در اختیار آیت الله میلانی گذارده می شود. خواهشمند است دستور فرمائید پیرامون چگونگی موضوع تحقیق نموده و نتیجه را اعلام دارند.

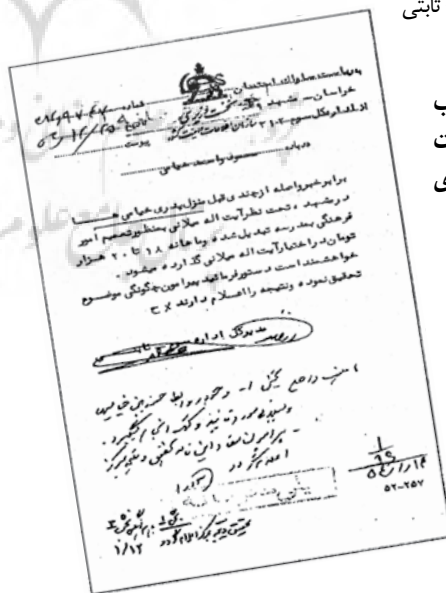
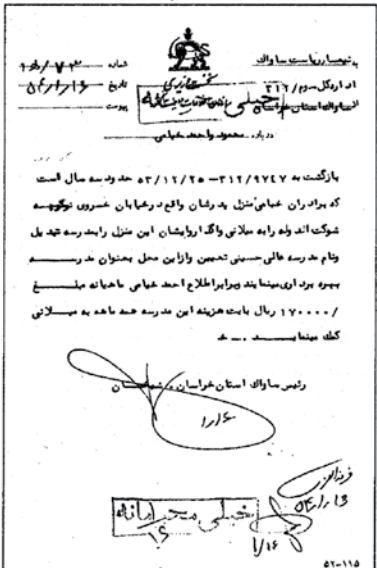
از طرف مدیر کل اداره سوم - ثابتی

ساواک استان خراسان طی شماره ۹/۷۳ مورخ ۱۶/۱/۵۴ پاسخ زیر را می دهد:

از: ساواک استان خراسان
به: تیمسار ریاست ساواک اداره کل سوم ۳۱۲/ شماره: ۹۵/۷۳
درباره: محمود و احمد خیامی

بازگشت به ۳۱۲/۹۷۴۷ - ۵۳/۱۲/۲۵ حدود سه سال است که برادران خیامی منزل پدرشان واقع در خیابان خسروی نو کوچه شوکت الدوله را به میلانی واگذار و ایشان این منزل را به مدرسه تبدیل و نام مدرسه عالی حسینی تعیین و از این محل به عنوان

مدرسه بهره برداری می نمایند و برابر اطلاع احمد خیامی ماهیانه مبلغ ۱۷۰۰۰۰ ریال بابت هزینه این مدرسه همه ماهه به میلانی کمک می نماید. رئیس ساواک استان خراسان. شیخان ۵۴/۱/۱۶



برگرفته از جلد سوم کتاب
به روایت اسناد ساواک: (آیت
الله العظمی سید محمد هادی
میلانی) ص ۶۲۹

برگرفته از جلد سوم سوم کتاب: (آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی به روایت اسناد ساواک) ص ۶۳۱

بنابراین معلوم شد که مرحوم احمد و محمود خیامی با مرحوم آیت الله العظمی میلانی نه تنها در ارتباط بوده اند بلکه هم منزل پدری خود را برای تبدیل آن به مدرسه عالی حسینی در اختیار ایشان گذاشته اند و هم ماهانه مبلغ ۱۷ هزار تومان به پول آن زمان بابت هزینه مدرسه می پرداخته اند. در شماره ۲۱۱ اشاره کردیم که مرحوم سید احمد خیامی در زمان حیاتش اقدام به تأسیس بیمارستان

تخصصی (بیماران سرطانی امید) در مشهد کرد. اکنون یادآوری شویم که وی علاوه بر آن، قطعه زمینی به

سال نوزدهم / شماره ۲۱۸ / تیر ماه ۸۹

۳۵

کتاب

مساحت دو هزار متر مربع را در میانه های خیابان کوهسنگی مشهد در نظر گرفت و پس از فراهم شدن مقدمات و تهیه ی نقشه های اجرایی، در سال ۱۳۵۱، همزمان با میلاد حضرت رضا (ع) کلنگ عملیات ساختمانی این مرکز درمانی به زمین زده شد و پس از پایان عملیات ساختمانی و از استقرار و نصب تجهیزات لازم، در سال ۱۳۵۳ به بهره برداری رسید و به نام مرکز درمانی رضا (ع) آغاز به کار کرد.

ای دوست، تا که دسترسی داری حاجت برآر اهل تمنا را زیراک جستن دل مسکینان شایان سعادت است توانا را

آن مرحوم ترتیبی داده بود که کلیه ی هزینه های جاری مرکز، از درآمد مؤسسات اقتصادی تحت مدیریت و مالکیت وی تأمین و پرداخت شود. حتی آن روانشاد یک قطعه باغ سیب را به این منظور وقف کرده بود تا عواید آن صرفه هزینه های درمانگاه و درمان بیماران شود.

به هر حال، کلیه ی خدمات درمانی در آن مرکز به طور رایگان به بیماران ارائه و اگر بیماران شهرستانی، در دوره ی درمان ناگزیر به اقامت در مشهد بودند و در این زمینه با تنگنا و مشکل مواجه می شدند، هزینه ی اقامت این گونه بیماران، با ظرفیت ۲۵ تخت در طبقه فوقانی درمانگاه فراهم شده بود.

در کنار گروه رادیوتراپی که به سرپرستی دکتر اتکینسون انگلیسی به کار مشغول بود، گروهی از پزشکان متخصص ایرانی نیز در مرکز درمانی رضا، به صورت افتخاری و بدون دریافت حق الزحمه و به طور مستمر به کار تشخیص و درمان بیماران می پرداختند.

مرحوم خیامی علاوه بر این، موجبات احداث یک بیمارستان را نیز در مجاورت آن مرکز فراهم آورد، این بیمارستان، شامل یکصد تخت، سه اتاق عمل و با کلیه ی تجهیزات آزمایشگاهی و وسایل خدماتی به بهره برداری رسید و در ارتباط با درمانگاه رضا به فعالیت پرداخت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ارتباط مؤسسات اقتصادی پیشین با مجتمع درمانی رضا قطع شد و پشتیبانی مالی مستمر جهت تأمین هزینه های جاری درمانگاه و بیمارستان منتفی گردید،

مع هذا به همت مرحوم حاج سید رضا خیامی و با مساعدتهای تنی چند از خیرین یکی دو سالی آن مجموعه ی درمانی اداره شد، اما رفته رفته مشکلاتی روی داد و چندان تنگنا پدید آمد که اداره ی مجموعه ناممکن شد. از این رو متولیان در صدد سپردن درمانگاه و بیمارستان به نهادی دولتی بر آمدند و ابتدا مجموعه به بهداری خراسان تحویل داده شد و در تحولات بعدی زیر پوشش دانشگاه علوم پزشکی قرار گرفت و نام آن به بیمارستان امید تغییر یافت.

مدیریت درمانی مرکز رضا (ع) و بیمارستان امید را در سالهای قبل و بعد از انقلاب اسلامی، به ترتیب آقایان دکتر فریدون شاملو، و دکتر تقی نیا و دکتر محمد رضا قوام نصیری بر عهده داشته اند. از آنجاکه درمان سرطان، علاوه بر هزینه ی سنگین، برنامه ریزی دقیق و زمان مناسبی را هم می طلبد که متأسفانه همه ی بیماران و خانواده هایشان قادر به تأمین آن نیستند. این ویژگی، به خصوص در چند سال گذشته فشار سنگینی را متوجه بیماران سرطانی می کرد و موجب بروز بعضی صحنه های دلخراش می شد.

از جمله بعضی بیماران که از شهرهای دور دست به مشهد می آمدند و برای استفاده از نوبتهایی که مراکز درمانی جهت عملیات درمانی از قبیل شیمی درمانی، رادیوتراپی و غیره برایشان تعیین می کردند، ناگزیر به اقامت در این شهر می شدند و آنان که دچار مضیقه ی مالی بودند، در معابر و میدانها یا در مسافرخانه های غیر بهداشتی اقامت و بیتوته می کردند و علاوه بر درد بیماری، رنج بی خانمانی را نیز متحمل می شدند.

وجود چنین وضعیتی، عده ای از خیرین، از جمله آنان را که با مرکز درمانی رضا (ع) از پیش آشنایی و رابطه داشتند، به این اندیشه انداخت که برای یاری رسانی به بیماران سرطانی نیازمند، نهادی مردمی و مبتنی بر فرهنگ خیر را پدید آورند. بر این اساس هسته ی اولیه ی انجمن حمایت از بیماران سرطانی مشهد توسط تنی چند از خیرین نیک اندیش شکل گرفت و به همت آن بزرگواران، چنان که در ماده ۱ اساسنامه مندرج است، در تاریخ ۲۰/۸/۶۰ این مؤسسه ی خیریه ی پر برکت در مشهد پایه گذاری و ریاست آن به عهده ی مرحوم حاج سید رضا خیامی پسرعم برادران خیامی محول شد.

شادروان حاج سید رضا خیامی تا پایان عمر همواره ریاست هیئت امنا و هیأت مدیره ی انجمن

را عهده دار بود و در همه ی موارد با علاقه مندی و مسئولیت پذیری در جهت تحقق اهداف انجمن می کوشید.

بنا به گواهی اداره ی ثبت مشهد، موسسین انجمن یازده نفر آقایان:

حاج سید رضا خیامی - دکتر محمد رضا قوام نصیری - علی اکبر پریزاده - محمدرضا رضایی - حسن سمرقندی خراسانی - مجتبی طاهری - حجت الاسلام رضوی - سعید عباچی - محمد جواد محبین - محمد ضرابی نیا و حسین سقایی رضوی بودند که اساسنامه ی انجمن را در تاریخ ۱۹ آبان ماه سال ۱۳۶۱ به شماره ی ۱۴۱ به ثبت رساندند. به موجب مفاد اساسنامه یازده نفر نامبرده، نخستین هیأت امنای انجمن را تشکیل می دهند.

اولین هیأت مدیره ی انجمن شامل آقایان زیر بوده است:

مرحوم حاج سید رضا خیامی - سید علی اکبر پریزاده - مرحوم عقیق چی - حسن سمرقندی - غلامرضا حاتمی - مجتبی طاهری - محمدرضا ضرابی نیا - محمدرضا رضایی - جلال حاجی زاده - حجه الاسلام رضوی - صادق آزادی

در این دوره آقای دکتر محمد رضا قوام نصیری مدیریت عامل انجمن را بر عهده داشته است.

راه اندازی آسایشگاه بیماران سرطانی یک اقدام بی سابقه در کشور:

انجمن در سال ۱۳۶۱ به منظور تحقق وظایفی که بر عهده گرفته بود، ساختمانی را در خیابان چمران ۸ به مدت یک سال اجاره کرد و با تدارک وسایل و امکانات لازم، دست به کاری بی سابقه زد و آن را به صورت آسایشگاه بیماران سرطانی، با گنجایش ۵۰ نفر، تجهیز و آماده نمود. به منظور اداره ی آسایشگاه از آقای جلال حاجی زاده دبیر بازنشسته دعوت به عمل آمد و اداره ی آسایشگاه، به عنوان مدیر داخلی به عهده ی وی محول شد.

در آن هنگام انجمن نمایندگان را به بیمارستانهای امید، قائم و امام رضا (ع) که معمولاً بیماران سرطانی روستایی و شهرستانی به آنها مراجعه می کردند، معرفی کرد تا نسبت به شناسایی و انتقال بیماران نیازمند به آسایشگاه اقدام کنند. بدین ترتیب بیماران غیر بومی نیازمند به طور کاملاً رایگان در آسایشگاه پذیرفته می شدند و در طول دوره ی درمان، امکانات استراحت، تغذیه و رفت و آمد آنان به بیمارستان و مراکز درمانی فراهم و تأمین می شد.

ادامه این بحث در شماره آینده

رفع یک اشتباه چاپی

در شماره ۲۱۷ گزارش در صفحه ۴۲ ستون دوم به جای (لیله القبر) (لیله القدر) چاپ شده بود که بدینوسیله تصحیح می شود. به علاوه در صفحه ۴۳ ستون دوم، سطر هشتم نیز «به نظر انکار نگریسته اند» درست می باشد.